



کاهش جرم و ناهنجاریهای اجتماعی توسط مدیریت شهری با طراحی معماری خوب شهری

امید رهنما^۱

کارشناس ارشد شهرداری تهران

۱- دکتری مدیریت محیط زیست - گرایش حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

یکی از پیچیده‌ترین مسائل در شهرهای جهان، نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی در آنهاست. بروز انواع جرم و ناهنجاری باعث ایجاد حس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه، دولت و تشکیلات قضائی کشور می‌شود. امروزه افزایش تصاعدی میزان وقوع جرم به موازات افزایش جمعیت، در اکثر کشورهای جهان قابل مشاهده است. مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زا است. بنابراین با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرایم پیشگیری نموده و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست. آمارهای موجود در کشورهای جهان نشان می‌دهد پیشگیری از جرم از طریق افزایش نیروهای پلیس، تدابیر شدید امنیتی، صدور احکام و مجازات‌های شدیدتر و احداث زندان‌های بیشتر راه به جایی نمی‌برد. بی‌شک رابطه انسان با مکان یا به طور کلی محیط پیرامون او به وسیله مجموعه کنش‌های او نمود می‌یابد. هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌نماید. به طور کلی تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی و هر فعل و ترک فعل که تحت عنوان جرم شناخته می‌شود به هر نحوی که از انسان سر بزند دارای بستر زمانی و مکانی است. بنابراین تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابر جرایم را در پی دارد. این تفاوت موجب می‌شود تا در واحد مکان ناهنجاری‌های اجتماعی به طور یکسان پراکنده نباشد.

کلید واژگان: پیشگیری از جرم، معماری، الگوی سکونت، فضای قابل دفاع، طراحی شهری



مقدمه

زندگی در محیط اجتماعی پس از خوراک و پوشاک، از اساسی ترین نیازهای زیستی انسان است. مسکن (در سطح خرد) و فضاهای شهری (در سطح کلان) که بعد فیزیکی سکونت زندگی در محیط اجتماعی محسوب می گردد، به عنوان جایگاه اصلی خانواده برای بقای انسان و جامعه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زمانیکه مجموعه ای مسکونی ساخته می شود در واقع یک کانون اجتماعی شکل می گیرد. این کانون اجتماعی برای حفظ ارزش های خود به اصول منسجم و مشخصی نیاز دارد. فضای شهری به عنوان نیازی بشری و پدیده اجتماعی به سهم خود، دارای ارتباطات متقابل با رفتار و فرهنگ انسانی است.

در بررسی مسأله محیط فیزیکی زندگی، علاوه بر بررسی ابعاد مربوط به ساخت و ساز، محاسبات فنی و بکارگیری مصالح مناسب و مقاوم در امر ساختمان سازی و شهرسازی، ابعاد رفتاری و اجتماعی این پدیده اجتماعی نیز مطرح می شود. مقوله ساخت و ساز شهری، همانگونه که می دانیم، یک مقوله فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در فرهنگ گذشته هر سرزمین داشته و نشانگر نحوه تفکر و نوع زیست یک ملت است. به عبارت دیگر، معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات و سنن آنان است. از طرف دیگر، معماری و نحوه ارتباط عناصر آن، بر رفتار انسان ها تأثیر گذاشته و فرهنگ آنان را متأثر می نماید. به عبارت دیگر، هر چند بناها و فضاها ساخته دست بشر است، ولی خود نیز بر رفتار اجتماعی و فردی آنان اثر می گذارد. امروزه معماران به این موضوع پی برده اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند حقوق می تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعه معماری نشان می دهد که نه تنها قواعد حقوقی ابزار بیان اصول و ارزش های جامعه می باشند، بلکه محیط فیزیکی نیز ممکن است بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی می تواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند « با زبان بسته » سخن گوید.

قدرت معماری نباید در بیان هنجارها دست کم گرفته شود. حقوق در مقام شکل دادن به هنجارهای اجتماعی ابزار کاملی نیست و در بسیاری از موارد ناکارآمد است. حقوق برای موفقیت خود باید به مردم شناسانده شود. به عبارت دیگر مردم باید حقوق را بدانند و به آن پایبند گردند.

اما برخلاف آن، معماری جزئی فراگیر از زندگی ما می باشد و می تواند به طور ناخودآگاه در زندگی مردم تأثیر بگذارد؛ بنابراین نیاز به معرفی و شناسانده شدن به مردم را ندارد. مهندسان معماری و شهرسازی می توانند فضاهایی ایجاد کنند که مردم را به هم نزدیک یا از هم دور کنند. همچنین می توانند احساس امنیت و راحتی را تقویت کرده، یا اینکه بر روان پریشی افراد اجتماع بیافزایند. تحقیقات روان شناختی، اثر طرح و نقشه را بر رفتارها و دیدگاه ها نشان می دهد.



در حوزه روانشناسی محیطی، در مورد اینکه چگونه معماری می تواند تمایلات انسان را شکل دهد، بحث های زیادی صورت گرفته است. در این حوزه ویژگی هایی که به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه تأثیر گذار هستند، مورد توجه قرار می گیرد. البته در مورد پذیرش این یافته ها باید محتاط بود، زیرا معماری تنها یکی از چند عاملی است که بر رفتار افراد تأثیر می گذارد. علاوه بر تعامل اجتماعی تأثیر گذار، معماری بر رفتار و دیدگاه ها نیز تأثیر می گذارد. برای مثال احساس شلوغ بودن باعث پرخاشگری در فرد می شود. «معماران می توانند احساس شلوغی را با اضافه کردن پنجره ها برای نور طبیعی بیشتر، استفاده از اتاق های چهار گوش (که احساس می شود بزرگتر از اتاق های دایره ای هستند) و استفاده از رنگ های روشن برای رنگ آمیزی، کاهش دهند». زمانی که افراد فضای بیشتری احساس کنند، کمتر پرخاشگری می کنند. امروزه ثابت شده است که استفاده بهینه از عواملی مانند طبیعت، فضای سبز و رنگ مناسب، رفتار پرخاشگرانه را کاهش می دهد.

در شش دهه ای که از عمر روانشناسی محیط می گذرد، پژوهشگران به نتایج زیادی درباره طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتار انسان دست پیدا کرده اند. انسان محصول محیط، بیولوژی و تعامل این دو با هم است. عوامل فیزیکی گوناگون از قبیل سروصدا، آب و هوا و فضاهای محصور شده، بطور مداوم بر انسان تأثیر می گذارد. بنابراین می توان محیط را یکی از عواملی دانست که نقش بسیار تعیین کننده ای در شکل گیری رفتار انسان دارد.

همانطور که می دانیم حوزه محیط و رفتار به صورت عام و رفتارهای مجرمانه به صورت خاص، برآیند چند رشته است. از این رشته ها می توان به رشته های گوناگون علوم اجتماعی و طبیعی مانند روانشناسی، جامعه شناسی، جغرافیا، زیست شناسی، مردم شناسی، جرم شناسی و نیز متخصصان رشته های کاربردی یا عملی مانند معماری، برنامه ریزی شهری و اجتماعی، طراحی داخلی، طراحی فضاهای اداری و طراحی منظره اشاره کرد. از آنجا که «انسان بیش از هر موجود دیگری محیط خود را تغییر می دهد و می تواند با استفاده از اصول طراحی همچون زیبایی شناسی، مهندسی و هماهنگ شدن با نیازهای فرهنگی، محیط خود را متناسب تر و راحت تر بسازد.» با شناخت تأثیر محیط بر انسان و استفاده از علوم مختلف، می توان اقدام به طراحی مناسب کرد.

امروزه افزایش میزان جرم و جنایت، معماران و شهر سازان را به فکر دستیابی به راه حل مناسبی در راستای پیشگیری از جرم انداخته است. مسلماً پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط چیزی فراتر از استفاده از حصار و یا قفل زدن به درب منازل است. امروزه نظریه فضاهای قابل دفاع نقش تعیین کننده ای در کاهش فرصت های جرم دارد.

نظریه استفاده از الگوی قدیمی طراحی خیابان ها

جان جاکوبز جدا سازی زمین های ایالات متحده را که در بخش های مختلف شهر مورد استفاده قرار گرفته اند، همچنین تمرکز بر استفاده از مراکز خاص از قبیل بخش های شهری، فرهنگی، خرید و غیره را مورد انتقاد قرار داد. او به بررسی این موضوع پرداخت که خانه های جدید تنها در صورتی موفق خواهد بود که از الگوهای قدیمی خیابان ها با مصارف پیچیده



پیروی کند. وی جهت نشان دادن این موضوع که چگونه پیشرفت‌های جدید خانه‌سازی به عنوان یک نقص و شکست بوده‌اند، توجه خود را به افزایش وقوع جرم معطوف کرد و عنوان نمود که:

۱- مردم از ویژگی‌های طبیعی یک خیابان هستند و باید بتوانند به آن احاطه داشته باشند. باید این امکان وجود داشته باشد که از داخل ساختمان‌ها بتوان خیابان‌های مقابل ساختمان را دید.

۲- در جاییکه فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌ها به میزان زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، میزان وقوع جنایات خیابانی بیشتر است. بنابراین پیاده‌روها باید به طور دائم پر از جمعیت باشد و چشم‌هایی وجود داشته باشد که به خیابان‌ها نگاه کنند. این موضوع می‌تواند با افزایش تعداد مغازه‌ها، رستوران‌ها و ساختمان‌ها که به صورت عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند شکل بگیرد.

۳- یک محله باید ترکیبی از باشد. افراد پیر و جوان، خانه‌های فقیر و ثروتمند، خانه‌های اجاره‌ای و اموال خصوصی مالکین این خانه‌ها باشد. از نظر جاکوبز دو شرط اول را می‌توان از طریق طراحی برآورد کرد اما دست‌یابی به دو شرط آخر کار بسیار مشکلی است.

نظریه فضاهای قابل دفاع

اسکار نیومن در کتاب خود با عنوان فضای قابل دفاع، پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی شهری،^۱ نظریه‌های خود را بر مبنای دستیابی به آمار مربوط به شکل فیزیکی خانه‌سازی در نیویورک قرارداد. این آمارها شامل تحقیق در رابطه با تاریخچه ساکنین و جرایم ثبت شده در خانه‌هایی بود که مالکیت آنها برعهده مقامات خانه‌سازی نیویورک بود. او در طول تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که در ساختمان‌های بلند نسبت به فضاهای داخلی ساختمان‌های کوتاه درصد بیشتری از جرم رخ می‌دهد. او به این نکته اشاره کرد که در ساختمان‌های بلند با ساکنینی دارای کودکان کمتر و درآمد بالاتری بودند و زمانیکه این ساختمان‌ها توسط ابزارهای قوی امنیتی و نگهبانان محافظت می‌شدند، آمار جرم بسیار پایین می‌آید.

تأکید اصلی نیومن، بر فضاهای قابل دفاع بود. فضاهای قابل دفاع نیومن چهار عنصر اصلی برای طراحی داشت. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در مفهوم فضای قابل دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارتند از:

۱- قلمرو ۲- نظارت ۳- تصویر ساختمان ۴- کنار هم قرار گرفتن تسهیلات مسکونی در کنار تسهیلات دیگر.

قلمرو

نیومن معتقد بود که با استفاده از حصارهای واقعی یا نمادین می‌توان محیط‌های مسکونی را به مناطقی تقسیم‌بندی کرد و با استفاده از این عبارت می‌توان ساکنین را کنترل کرد که این حصارها به طور ضمنی در ذهن سایر افراد این موضوع را ایجاد می‌کند که: «این محدوده من است.» جابجایی و انتقال از یک فضای خصوصی (با امکان کنترل راحت) به یک فضای عمومی (با امکان کنترل سخت) بسیار حائز اهمیت است. جهت دستیابی به این موضوع موارد ذیل را پیشنهاد داد:

* فضای داخلی و خارجی ساختمان‌ها باید تا آنجایی که امکان دارد تحت کنترل و نفوذ ساکنین باشد.



زمانی که از خیابان یا پیاده‌رو، فضاهای خارجی ساختمان دیده می‌شود، باید خصوصی یا نیمه‌خصوصی بودن آن مشهود و قابل رؤیت باشد. اما می‌توان از روش‌های نمادین مانند تغییر سطح، طبقات، کلیدها، ورودهای تزئینی و غیره نیز استفاده کرد.

در ساختمان‌های بسیار پیشرفته باید پله‌ها به گونه‌ای ساخته شوند که ساکنین همدیگر را بشناسند، اما موضوع مهم‌تر این است که مزاحمین شناخته شوند.

مناطق مشترک خارجی - مانند محدوده بازی، فضای سبز و پارک‌ها - باید تا آنجایی که امکان دارد قابل دسترس و به ورودی ساختمان‌ها نزدیک باشند یا اینکه بتوان از طریق محدوده خصوصی وارد آنها شد.

نظارت

نیومن یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده فضاهای قابل دفاع را نظارت طبیعی می‌داند. از نظر وی نظارت طبیعی را می‌توان از طریق طراحی ایجاد کرد. در این خصوص اسکار نیومن مواردی را پیشنهاد می‌دهد، که می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱- در خصوص پنجره‌ها باید به این نکته توجه داشت که پنجره نباید جهت زیبایی داخلی ساختمان تعبیه شده باشد، بلکه باید بتوان از طریق آنها مراقب فضاهای داخلی و خارجی ساختمان بود.

۲- در انتهای سه گوش کنار شیروانی خانه‌های پلکانی باید پنجره‌هایی وجود داشته باشد تا بدان وسیله بتوان خیابان‌ها و فضای باز را دید.

۳- ورودی جلوی ساختمان باید رو به خیابان بوده به گونه‌ای باشد که با عبور عابرین پیاده و راننده‌ها بتوان هر چیز جالبی که اتفاق می‌افتد را دید.

۴- بهتر است ساختمان از خیابانی که خارج ساختمان قرار گرفته است قابل رؤیت باشد و در صورت وجود مجوز ساختمان از طریق پنجره‌های واحدهای مسکونی ساختمان واحدهای دیگر نیز دیده شوند.

۵- پله‌های ضروری باید شیشه‌ای باشند و در خارج از ساختمان قرار گرفته باشند که بدان وسیله بتوان عابرین و پیاده را در جلوی ساختمان مشاهده کرد.

تصویر ساختمان

استفاده مناسب از مواد خوب و طرح معماری مناسب نیز یکی دیگر از عناصری است که مورد توجه نیومن قرار گرفت. وی از اینکه ساختمان در یک محله با شکل و نمای کاملاً متفاوت نسبت به بقیه ساختمان‌ها ساخته شود مخالف است. همچنین پیشنهاد می‌کند که ساختمان‌های بلند و متراکم نباید به افرادی با درآمد پایین اجازه داده شود، زیرا آنها نسبت به جنایت حساس و آسیب‌پذیر می‌باشند.



The banner features a hand holding a pen pointing to a bar chart with a red trend line. The chart shows a downward trend. The background is a blue grid with a world map. The text on the banner reads: "7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development" and "September 20, 2021". Logos for "cooresh international network on virtual universities CINU" and "Kosar University" are also present.

نیومن در مورد تزئینات ساختمان و ظرافت کاری‌های داخلی به استحکام و مقاومت این تزئینات توجه می‌کند. البته اشاره دارد که این سختی و مقاومت گاهی می‌تواند باعث ایجاد حس تخریب در افراد شود، به این گونه که میل به مشاهده میزان تخریب آثار در آنها ایجاد گردد.



کنارهم قرار گرفتن مناطق مسکونی با سایر تسهیلات

نیومن با اشاره به این مطلب که بخشی از امنیت مناطق که در کنارهم قرار دارند از طریق موقعیت جغرافیایی و راهبری که توسط تسهیلات مشترک به میزان زیاد مورد استفاده قرار می گیرند تأمین می شود، بیان داشت که خانه های مسکونی باید در کنار تسهیلات تجاری و اجتماعی قرار گیرند. این موضوع به پیشرفت امنیت در یک منطقه کمک می کند. در خصوص پارک ها و زمین های بازی دستورالعمل او به گونه ای است که این مناطق از داخل خانه ها قابل رؤیت باشند. از اینرو این مناطق نباید چندان از خانه ها و مناطق مسکونی به دور باشند.

در تحقیقات اولیه نیومن، به عوامل اجتماعی و جامعه شناسی توجه نشده بود و این عدم توجه باعث ورود انتقاداتی به روش وی گردید. با این حال نظریات او به سرعت در ایالات متحده و انگلستان شهرت یافت. او در نقاط زیادی در جهان تأثیر چشمگیری بر طراحی خانه سازی گذشته بود.

او در تحقیقات بعدی خود توجه بیشتری به عوامل اجتماعی کرد و مردم را در مرکز تحقیقات خود قرارداد. در کتاب خود با عنوان «اشتراک علاقه» که در سال ۱۹۸۲ به چاپ رسید با توجه به «سن» و «روش زندگی» به تفکیک نژادی پرداخت و بیان داشت افراد مشابه باید در کنار هم، در یک گروه (محیط های کوچک) زندگی کنند. این موضوع تأثیر مثبتی بر ارتباط بین افراد دارد، چراکه آنها چیزهای مشترک زیادی خواهند داشت. این دقیقاً همان چیزی است که اسکار نیومن «اشتراک علاقه» نامید. چنین اشتراکی به صورت طبیعی باعث حفظ محیط پیرامون خانه ها و مراقبت از آنها می شود.

نظریه توزیع جرم

در حالیکه جاکوبز، نیومن و دیگران در حال بسط و گسترش اصول فضای تدافعی خویش بودند، پاتریشیا و برانتینگهام در شهر تالاهاسی و فلوریدا به نظریه های دیگری می پرداختند. تحقیقات آنان نتایج مهمی را در برداشت. آنان به این مسأله دست یافتند که نیمی از بزه کاران در یک منطقه بزرگ مانند شهر یا یک ناحیه خاص بیشتر به صورت مخفی زندگی می کنند تا به صورت علنی. آنان به این مسأله پی بردند که تفاوت های چشمگیری بین محوطه های خاص و تعداد وقوع جرایم وجود دارد، اما این تفاوت ها در این مناطق توزیع شده بودند. آنها به بررسی این موضوع پرداختند که جرایم در کجا رخ می دهد و آیا بین ساختمان های آپارتمانی در اطراف محله های مشابه و ساختمان های نزدیک تمایزی وجود دارد، همچنین به این موضوع دست یافتند که در پوسته محله نسبت به ساختمان های داخلی، جرایم بیشتری روی می دهد. جهت توضیح این پدیده آنها به تحقیق در رابطه با رفتار مجرمین پرداختند. همچنین آنها دریافتند که طراحی نقشه محله در نتایج حاصل از تعداد و توزیع جنایاتی که در آن صورت می گیرد تأثیر دارد. علاوه بر این ارتباط، پوسته و مرکز محله نیز می تواند تحت تأثیر نقشه آن قرار بگیرد. از این رو یک محله کوچک و کشیده نسبت به یک محله متراکم پوسته بیشتری دارد و در نتیجه، خطر ارتکاب جرم نیز بیشتر می شود.

پاتریشیا و برانتینگهام ضمن بررسی تفاوت دو نوع جرم عاطفی-عجولانه و جرایم فرصت مدار، دو سؤال را مطرح کردند:



- مجرمین بیشتر در چه مناطقی فعالیت می کنند؟

- مجرمین در طول تحقیقات خود به چه کلیدها و علائمی توجه می کنند؟

پس از آن، این سؤالات موضوع بسیاری از تحقیقات شدند. بعضی از محققین توجه خود را به خانه‌های مجرمین متمرکز کردند، در حالیکه محققین دیگر بر مکانهایی که این جنایات اتفاق می افتادند، تمرکز داشتند. نتایج نشان می داد که احتمال اینکه مجرمین همسایگان خود را مستقیماً برای ارتکاب جرم انتخاب کنند، بسیار کم است؛ زیرا شانس اینکه شناخته شوند خیلی زیاد است. اگرچه هر چه مجرمین از خانه دورتر باشند، به دلیل فاصله و عدم آشنایی با منطقه احتمال بیشتری برای دستگیری آنها وجود دارد «در نتیجه اکثر جنایاتی که توسط افراد جنایتکار صورت می گیرد، اعم از ضرب و شتم، سرقت و یا تخریب در محدوده یک مایلی از خانه آنها اتفاق می افتد».

نظریه مدیریت افراد و محیط

از نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ دولت انگلیس از طریق سازمان مسکن شروع به تحقیق در رابطه با چگونگی جلوگیری از جنایات مختلف کرد. این تحقیقات زیر نظر ران کلارک صورت گرفت. وی در کتاب خود تحت عنوان «طراحی عاری از جرم» راهبردهای مختلفی در خصوص جلوگیری از جرم ارائه داد.

استراتژی‌های پیشنهادی او عبارتند از:

۱- استفاده از مواد سخت: سنگ‌ها، درها و پنجره‌های محکم از وقوع جرم جلوگیری می کند و عوامل محکمی در برابر تخریب (اجزاء) هستند.

۲- جابجایی و انتقال هدف: به عنوان مثال تلفن‌های خراب را می توان از محل خود برداشت.

۳- از بین بردن آلت جرم: به عنوان مثال سنگ‌های آزاد که نزدیک ساختمان‌های عمومی قرار دارند باید برداشته شود زیرا این کار در جلوگیری از تخریب مؤثر می باشد.

۴- کاهش مزایا برای بزهکاران: به عنوان مثال کالاهای ارزشمند را باید با یک کدپستی حک شده بر روی آن و شماره منزل مشخص کرد بدین ترتیب فروش جنس دزدی برای مجرم سخت تر می شود.

۵- مراقبت و نظارت رسمی: این کار را می توان از طریق پلیس و موسسات امنیت خصوصی انجام داد.

۶- نظارت از طریق کارمندان (نظارت نیمه رسمی): نوعی مراقبت سریع، بدون حضور پلیس یا ساکنین محلی ولی از طریق فردی که در همه جا با هدف مشخص حضور دارد _ اما به تنهایی نمی تواند در مقابل جنایت دفاع کند و از آنها جلوگیری کند _ این فرد می تواند دربان یک آپارتمان، کارگر یک مغازه یا راهنمای اتوبوس و غیره باشد.

۷- مدیریت محیط: مراقبت از منازل به عنوان مثال جلوگیری از تجمع درصد بالایی از جوانان در یک مجتمع، عدم رفت و آمد عموم در جایی که مغازه‌ها بسته است.



ران کلارک در تحقیقات بعدی خود که آن را تحت عنوان «پیشگیری وضعی از جرم، تحقیقات موفقیت آمیز» نوشته است به بحث‌های مربوط به نظارت طبیعی پرداخته است. بسیاری از موارد توصیه شده شامل استفاده از فضا و مدیریت افراد و محیط است که فراتر از محدوده طراحی و برنامه‌ریزی می‌باشد و زمانیکه موضوعات تاریخی به لحاظ تاریخی مورد توجه قرار گیرد می‌توان فهمید که این موارد بسیار حائز اهمیت می‌باشند. این فهرست، موضوعاتی را عنوان می‌کند که باعث کاهش جرم می‌شوند. از این رو می‌توان فهمید که از طریق مدیریت محیط و افراد، حل این مشکل ساده‌تر، ارزانتر و راحت‌تر از ایجاد یک محیط دژ مانند خواهد بود.

با گذر زمان مباحث راجع به طراحی محیط و پیشگیری از جرم شکل کاربردی‌تر به خود گرفت و از حالت شعار مانند به واقعیت نزدیک‌تر گشت. در این مرحله محققین نظریات خود را به صورت کاربردی‌تر مطرح ساختند.

نظریه های محققین CPTED

نظریات مرتبط با طراحی محیط و نقش آن در پیشگیری از جرم در طول تاریخ با تحولات فراوانی روبرو شد. در واقع با گذر زمان نقش تعیین کننده طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در دوره دوم می‌توان به نظریه‌هایی از قبیل نظریه بهبود منظره، نظریه کوچک‌سازی محله‌ها و نظریه ترکیب فضا اشاره کرد.

۱) نظریه بهبود منظره

یکی از مهمترین موضوعات در رابطه با CPTED ارتباط آن با جامعه آزاد است. این موضوع در فرهنگ بسیاری از کشورهای غربی به خصوص کشورهای اسکاندیناوی حائز اهمیت است. تفاوت عمده‌ای بین امنیت تجربی و خیالی از یک سو و امنیت حقیقی و واقعی از سوی دیگر وجود دارد. تصویر جرایمی که از طریق رسانه‌ها گزارش می‌شود در اغلب موارد گویای تصویری بسیار متفاوت با جنایات واقعی است. با این ذهنیت که احساس امنیت یا عدم امنیت تا حدودی با سن و جنس افراد در ارتباط است، این سؤال را می‌توان مطرح کرد که چه سطحی از خطر برای شروع کار مورد قبول و مجاز است؟ گراندلند این موضوع را مفهوم اصلی «طراحی بدون جرم» از طریق محیط و ساخت شهری معاصر دانست.

نتایج تحقیقات گراندلند نشان داد که:

- تفاوت‌های اجتماعی بر روش طراحی بدون جرم محیط تأثیر می‌گذارند.
- CPTED با ترس واقعی یا اکتسابی ناشی از جرم رابطه دارد.
- به دلیل عدم وجود افراد ماهر و ساختارهای مناسب، دولت‌های محلی و مرکزی عموماً علاقه‌ای به این موضوع ندارند.
- شرکت‌های بیمه اغلب به موضوعات فنی بیمه علاقمند هستند نه به کاهش اصولی جرم.
- مشکلات اجرایی از قبیل مقاومت معماران (ایدئولوژیکی و اقتصادی) و مقاومت سازندگان (اقتصادی و نداشتن علم و تجربه) در رابطه با بحث CPTED وجود دارد



گرانلاند با بررسی پروژه‌های مختلف پیشنهاد می‌کند که طراحی به شکل‌های سنتی توسعه یابد و نشان داد که فضاهای خارجی می‌بایست به خوبی سازمان یافته و منظره بهتری نسبت به در ورودی داشته باشند تا بهتر بتوانند از وقوع جرم و تخریب جلوگیری کنند.

۲) نظریه کوچک‌سازی محله‌ها

این نظریه در سال ۱۹۷۲ توسط گری کلوند مطرح گردید. وی به بررسی طرح ساخت محیط به عنوان اولین قدم ایجاد جوامع پایدار و سالم پرداخت. گری کلوند در مقاله خود تحت عنوان «دومین نسل CPTED: پادزهری برای ویروس‌های اجتماعی طراحی شهری» (Gerry Cleveland.1976/pp:175-198) اقدام به بررسی استانداردهای طراحی محیط فیزیکی و ارتباط آن با زندگی افراد کرده است. این استانداردها عبارتند از:

- ۱- اندازه منطقه، تراکم و تفاوت خانه‌های مسکونی و تعداد سکنه.
 - ۲- اهمیت وجود مکان‌های ملاقات شهروندی که بدون آنها اماکن شهری خالی و خطرناک خواهد بود.
 - ۳- فراهم آوردن تسهیلات به خصوص کلوپ‌هایی برای جوانان.
 - ۴- حضور ساکنین شهر.
 - ۵- مسئولیت ساکنین شهر.
- استانداردهای وی نشان داد که به شکل تازه‌ای از پیشرفت اکولوژی از طریق اصول طراحی سنتی CPTED معتقد است. علاوه بر این نظر خود را به مسائل دیگر از قبیل مسئولیت ساکنین، حضور آنها و تسهیلات نیز معطوف ساخته است. او برای رسیدن به این استانداردها پیشنهاد می‌کند که محله‌ها را باید کوچک‌تر ساخت. از طریق این مسأله می‌توان ارتباطات محلی، اجتماعی و اقتصادی را توسعه داد. ساخت محله‌های کوچکتر موجب بهبود روابط اجتماعی می‌گردد. بنابراین به نظر وی برنامه ریزان باید بدون هر نوع تعصبی مهارت‌های ساخت محله کوچکتر را پرورش دهند. راه حل نهایی CPTED از نظر گری کلوند این است که راه حل‌های اجتماعی و فیزیکی به درستی به صورت راه حل‌های اکولوژیکی در بیایند.

۳) نظریه معماری عامل تعیین کننده رفتار

آلیس کلمن، عضو واحد تحقیقات زمینی دانشگاه کینگ لندن، نقش مهمی در پیشرفت اصول طراحی بدون جرم ایفا کرد. وی در سال ۱۹۸۵ کتابی را به چاپ رسانید که بسیار بحث‌برانگیز بود. کتاب وی تحت عنوان «آرمان‌گرایی در محاکمه: خیال و واقعیت در خانه‌های طراحی شده» به چاپ رسید. اهمیت عمده این کتاب به دلیل حمایت نظریات این نویسنده توسط نخست وزیر وقت «مارگارت تاچر» بود. آلیس کلمن یک ضعف عمده داشت و آن این بود که به اعتقاد وی معماری رفتار را تعیین می‌کند نه اینکه بر آن اثر بگذارد. وی در نظرات خود، معماران و طراحان را در مورد ساختمان‌های بلند مورد انتقاد قرار می‌داد. از نظر وی طراحی این ساختمان‌ها نه اقتصادی بود و نه به لحاظ رفتاری صحیح. در عوض معماران نیز نظریه‌های وی را مغرضانه می‌پنداشتند.



کلمن در کتاب خود به بررسی و تحقیق در مورد ساختمان‌های بلند و آپارتمان‌های دوبلکس پرداخت و مسائلی از قبیل ریختن زباله، دیوار نویسی‌های مستهجن، خشونت و آسیب‌های جنسی را مورد مطالعه قرار داد. تحقیقات او نشان داد که هر چه طرح‌ها ضعیفتر ساخته شوند، مشکلات اجتماعی شایعتر خواهد بود. او متغیرهایی را نشان داد که در ایجاد این ویژگی‌ها تأثیرگذار بودند. متغیرهایی که آلیس کلمن بررسی کرد، عبارتند از:

- اندازه: شامل خانه‌های مسکونی در هر ساختمان، تعداد طبقات، دوبلکس یا معمولی بودن آپارتمان. این متغیر به تعداد افرادی که در یک ساختمان زندگی می‌کنند، می‌پردازد. هر چه تعداد افراد بیشتر باشد، شناسایی یکدیگر نیز سخت‌تر خواهد شد و افراد بیشتر سعی می‌کنند تا به صورت ناشناس باقی بمانند. طبق نظر وی آپارتمان‌های معمولی از دوبلکس بهتر است. او ارتفاع زیاد برای کودکان را مناسب نمی‌داند. آپارتمان‌ها باید دارای فضای بازی مناسب و قابل رؤیت توسط بزرگسالان باشد.

- چرخش: شامل دیوارهای فوقانی، خروجی‌های متصل به هم، آسانسورها و پله‌های متصل به هم، تعداد خانه‌های مسکونی در هر کریدور. هر چه افراد بیشتر بتوانند در داخل ساختمان و بین آن گردش نمایند، کار آنها راحت‌تر می‌شود. بیشتر جرایم در نقاط عمیق و راه‌های فرار صورت می‌گیرد. از نظر کلمن، دیوارهای فوقانی، آسانسورها و پله‌هایی که با یکدیگر ارتباط دارند و کریدورهای بلند، امکان وقوع جرم و رفتارهای ضد اجتماعی را آسان‌تر می‌سازند.

- ورودی: متغیرهای مربوط به ورودی عبارتند از نوع در ورودی، موقعیت قسمت ورودی، درها یا دریچه‌ها، گاراژها و تأسیسات. قسمت ورودی ساختمان، نقطه مهمی است که از طریق آن، هر کس می‌تواند وارد ساختمان شود و باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که به ساکنین خوش آمد بگوید اما مهاجمین را از ورود به ساختمان باز دارد.

- زمین‌ها: شامل ساختمان‌های هر زمین، نقاط قابل دسترسی در هر زمین، مناطق بازی و بخش‌های فضایی می‌باشد. کلمن عنوان می‌کند که نقشه زمین‌های ساختمان تأثیر بسیار عمده‌ای بر درجه اختلالات اجتماعی دارد. در صورتی که افراد در خارج از ساختمان بتوانند به راحتی به همه چیز دسترسی پیدا کنند، مناطق عمومی ناشناخته به همراه راه‌های فرار از جرم شکل خواهد گرفت. در چنین محیط‌هایی، دفاع از ساختمان‌های شخصی از طریق نظارت بر ورود و خروج افراد کار مشکلی خواهد بود و لازم است که به جای اینکه تنها به خیابان توجه داشته باشیم، به جهات دیگر نیز توجه کنیم.

نتیجه تحقیق مذکور عبارت بود از این که در اغلب موارد محیط بازی، محیط جر و بحث و دعوا است. بهتر است کودکان نوپا در خانه و کودکانی که کمی بزرگ‌تر شده‌اند، در پارک‌های عمومی بازی کنند اما در هر دو حالت باید محیط به گونه‌ای طراحی شده باشد که امکان نظارت و مراقبت بزرگ‌ترها وجود داشته باشد.

در مورد بخش‌های فضایی، کلمن سه نوع فضا را می‌شناسد:

- ۴-۱- فضاهای نیمه خصوصی: مانند حیاط‌های شخصی که در قسمت عقب یا جلو ساختمان ساخته شوند.
- ۴-۲- فضاهای نیمه عمومی: فضاهایی است که ساکنین یک ساختمان چند طبقه از آن به صورت مشترک استفاده می‌کنند.



۳-۴- فضاهای مشترک پیچیده و آشفته: فضاهایی هستند که برای تمامی افراد خارج ساختمان یا شهرک قابل دسترسی می باشند. از نظر وی فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی مقبول می باشند اما فضاهای مشترک آشفته، فضاهایی نامطلوب می باشند.

وی پیشنهاد می دهد که از طریق ساخت فضاها یا واگذاری مالکیت زمین ها به هر یک از واحدهای مسکونی یا ساختمانها می توان این فضاهای مشترک آشفته را از بین برد. بدین ترتیب، حرکت عابرین پیاده و ماشین ها در داخل یک شهرک مسکونی، محدود به خیابانهای مشترک شهرک می شود. هر ساختمان به صورت یک واحد شخصی و مجزا در می آید و مفهوم و ویژگی «شهرک» حفظ می شود. این نوع «خصوصی سازی» فضا باعث می شود که هر یک از افراد صاحبخانه یا ساکنین این خانهها بر همه مناطق کنترل داشته باشند و نسبت به آن احساس مسئولیت کنند و یک محیط مسکونی را شکل دهند.

نظریه ترکیب فضا

بیل هیلر به بررسی اصلاح مناطق شهری از طریق طراحی شهری پرداخت. وی نظرات خود را در قالب تئوری ترکیب فضا مطرح ساخت. ترکیب فضا ابزار توضیح دیدگاههای اجتماعی در رابطه با روابط بین رفتار انسان و استفاده از فضا است. وی بیان کرد که مهمترین عامل در بررسی معماری، ویژگیهای قابل رؤیت نمی باشد بلکه باید به ویژگیها و تأثیرات طراحی غیرعینی نیز توجه داشت.

هیلر به تحقیق در رابطه با شکل های مختلف خانه سازی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر یک دارای ویژگیهای خاصی می باشند.

بررسی های هیلر نشان داده است که:

۱- جرم بیشتر در مکانهای ساکت که ارتباط کمی با مکانهای دیگر دارد، اتفاق می افتد. در اینگونه مکانها شکل ساخت و ساز استفاده از مکان در میزان ارتکاب جرم مؤثر است. جرم در مکانهایی که تفاوت زیادی بین فضاهای خصوصی و عمومی وجود نداشته و نظارت طبیعی بر آنها کم است، بیشتر ارتکاب می یابد.

۲- ارتباط مستقیمی بین خانههایی که با پیشروی خود در پیاده رو باعث ایجاد فضاهای خالی شده اند و ترس از جرم در حرکت عابرین پیاده وجود دارد. (T.Poveda.1972.pp:147-153)

اندیشمندان متعددی درباره اهمیت فضاهای قابل دفاع به بحث پرداخته اند. با توجه به این مسأله اصول قابل دفاع نمودن این فضاها و ارائه راهکارهای مفید جهت قابل دفاع نمودن فضاهای غیر قابل دفاع شهری موضوع گفتار آتی در این مقاله خواهد بود.



اصول قابل دفاع نمودن فضاها

همانطور که پیشتر اشاره گردید مجرمین قبل از ارتکاب جرم فرصت‌های ارتکاب جرم را بررسی کرده و با بررسی میزان خطر و تأثیر عمل خود دست به اقدام منطقی می‌زنند. در راستای این انتخاب منطقی ایجاد دشواری‌هایی برای ارتکاب جرم در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر می‌باشد. در بحث از پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی باید طراحی محیط به گونه‌ای باشد که مجرم سود و بهره‌ای را که از عمل مجرمانه خود انتظار دارد دست نیافتنی و غیر قابل صرفه ببیند. در ادامه اصول فوق را بر اساس اینکه باعث افزایش خطر ناشی از ارتکاب جرم می‌گردند یا تلاش برای جرم را افزایش می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- قابل دفاع نمودن فضاها: افزایش خطر ناشی از ارتکاب جرم

معماری می‌تواند تدابیری اتخاذ نماید که بهای عمل مجرمانه، بیش از سود حاصل از آن گردد. نظارت و کنترل ورودی‌ها روش‌های مفیدی هستند که می‌توان از آن برای دستیابی به منظور فوق بهره جست.

الف- نظارت

نظارت اعم از نظارت طبیعی یا استفاده از وسایل از قبیل دوربین مداربسته می‌تواند باعث کاهش فعالیت‌های مجرمانه گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت که نظارت به این معناست که بتوانیم بفهمیم که مردم چه کاری انجام می‌دهند. مردم در مناطق عمومی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر است احساس امنیت بیشتری دارند. تجربه نشان داده است که در مناطقی که سطح بالایی از نظارت وجود دارد، خلافکاران کمتر مرتکب اعمال مجرمانه می‌گردند. البته همانطور که قبلاً در این خصوص بیان گردید این مسأله در جرایم فرصت‌مدار قابل بحث و بررسی می‌باشد. چرا که نظارت جامعه باعث کاهش فرصت و افزایش خطر ناشی از جرم می‌گردد.

معماری و طراحی فضا یکی از ابزارهایی است که می‌توان از آن جهت ایجاد مراقبت طبیعی بهره جست. از این رو فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که قابل رؤیت توسط ساکنین، همسایگان و رهگذاران باشند.

در بررسی جرایم این نکته قابل توجه است که مراقبت از یک منطقه عامل مهمی در پیش‌بینی نرخ جرم است. به عنوان مثال جرایم در پارک‌ها، بیشتر در جاهایی اتفاق می‌افتد که بوته‌های بلند مانع رؤیت شوند و ساختمانی در کنار آن نباشد. خسارت به سندلی‌های اتوبوس در سندلی‌های طبقه بالا نسبت به پایین و در سندلی‌های عقب، نسبت به سندلی‌های جلو بیشتر مشاهده می‌شود. «بررسی رفتاری مجرمین نشان می‌دهد که به خصوصیات معماری توجه می‌کنند و محل‌های مورد علاقه آنان مکانهایی می‌باشد که رؤیت‌پذیری ضعیف است و شاهدی وجود ندارد».

سه ساز و کار اصلی وجود دارد که می‌توان برای تسهیل مراقبت طبیعی وجود دارد:

۱- استفاده متنوع از ساختمان، ۲- طرح و منظره ساختمان، ۳- استفاده از نور و روشنایی

۱- استفاده متنوع از ساختمان



تنوع استفاده، افراد را از خانه‌ها به خیابان‌ها می‌آورد و مراقبت طبیعی را افزایش می‌دهد. برای ایجاد تنوع مناسب، هر محدوده شهری باید بیش از یک کارکرد اصلی داشته باشد، و هر کارکرد باید در خلال ساعات مختلف از روز صورت گیرد، بگونه‌ای که یکپارچگی‌ای در جمعیت در طول روز ایجاد شود.

۲- طرح و منظره ساختمان

با یک طرح مناسب می‌توان ضمن پایین آوردن هزینه، امکان نظارت طبیعی یک ساختمان را افزایش داد. طرح‌هایی مانند اضافه کردن پنجره‌های بیشتر و قرار دادن آنها در محل‌های پر رفت و آمد که به سمت فضاهای عمومی باز است، ساخت و ساز بناها در مقابل هم به گونه‌ای که همسایگان بتوانند از آن طرف خیابان مراقب یکدیگر باشند، در افزایش نظارت مؤثر است.

نتیجه گیری:

امروزه در ساخت شهرها باید تعامل انسان و محیط را در نظر گرفت. شهر در عین حال که ساخته روان و خواسته انسان است، در جسم و جان او نیز تأثیر می‌گذارد و پیوند اجتماعی و سلامت روح و روان او را تشکیل می‌دهد. بررسی اماکن مختلف مسکونی در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر مسکن تأثیرات رفتاری خاصی را بر روی روان ساکنین خود دارد. همچنین بررسی اندیشمندان مختلف این فرضیه را که میان محیط جغرافیایی و رفتارهای انسانی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، به اثبات می‌رساند. این تأثیر را در اماکن مختلف مسکونی نیز می‌توان مشاهده کرد. بنابراین باید این نکته را در نظر گرفت که در ساخت اماکن مختلف مسکونی می‌بایست به این ویژگی‌ها توجه کرد.

ارتکاب اعمال مجرمانه را می‌توان نوع خاصی از رفتار دانست. بنابراین با استفاده از اصول طراحی فیزیکی اعم از معماری و شهرسازی مبتنی بر اندیشه‌های جرم‌شناسی می‌توان از وقوع جرایم پیشگیری نمود.

در خصوص اصول صحیح معماری باید توجه نمود که معماری باید بتواند با افزایش احتمال کشف و دستگیری، خطر ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهد. همچنین معماری باید بتواند با افزایش تلاش برای موفقیت در دست یافتن در ارتکاب جرم از طریق افزایش مدت زمان حصول نتیجه، نیاز به بکارگیری انرژی بیشتر و همچنین امکانات بیشتری برای دستیابی به هدف را افزایش دهد. با این کار معماری می‌تواند منفعت حاصله از ارتکاب جرم را کاهش دهد. برای رسیدن به این نتیجه چهار اصل عمده، در این تحقیق پیشنهاد شد. چهار اصل مهمی که در پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری و شهرسازی مؤثرند عبارتند از نظارت، کنترل ورودی‌ها، تقویت حس قلمرو و محافظت از سیل‌های جرم.

«نظارت» به مفهوم اینکه افراد بتوانند ببینند و دیده شوند از مهمترین اصول در معماری بدون جرم می‌باشد. مراقبت و نظارت طبیعی با همه اهمیتی که دارد، نمی‌تواند به تنهایی موجب پیشگیری از وقوع جرم گردد. در بسیاری از موارد عابرین و ناظرین ممکن است از مداخله در جرم و جلوگیری از وقوع آن سرباز زنند. معماری می‌تواند بر این اجتناب، تأثیر گذارد.



نکته دوم این است که هرچه تعداد افرادی که در محل وجود دارند بیشتر باشد، احساس خطر از جهت دخالت، در ناظر کمتر ایجاد می شود. بنابراین افراد با فراغ بال بیشتری اقدام به مداخله می نمایند. سوم اینکه مداخله ناظری که احساس می کند عضوی از یک جامعه است معمول تر است و معماری می تواند از طریق به کارگیری کارکردهای کاهش انزوای اجتماعی، این احساس را در افراد تقویت کند. بنابراین رؤیت پذیری صرف نباید مد نظر معماران باشد؛ بلکه آنها باید به توسعه شرایطی پردازند که تحت آن احتمال اینکه افراد به عنوان مراقبین مداخله و عمل کنند را افزایش دهند.

نقش دولت در معماری و شهرسازی نیز بسیار حائز اهمیت می باشد. با توجه به وضعیت اقتصادی مردم جامعه، گاهی استطاعت مالی را برای جامه عمل پوشاندن به الزامات جرم شناسی ندارند. وانگهی در بسیاری از مواقع از این الزامات آگاهی ندارند. در این خصوص، دولت باید وارد عمل شده و بودجه مناسبی برای این امر اختصاص دهد. قسمتی از این بودجه را می توان در ایجاد فضاهای مکمل در سطح شهر به کار برد. ایجاد این فضاها به دلیل محدودیت فضاهای مسکونی، به خصوص در عصر حاضر، ضروری می باشد. وضع قوانین در خصوص معماری صحیح برای معماران می تواند برای طراحی صحیح مؤثر باشد. شهرداری ها می توانند دادن پایان کار را منوط به رعایت نکات فنی وضعی جهت پیشگیری از وقوع جرم در آن ساختمان یا مجتمع مسکونی یا اداری نمایند. در خصوص این قوانین به عنوان مثال می توان به استفاده بهینه از عوامل طراحی از قبیل رنگ، زیبایی محیطی و مبلمان شهری در سطح معماری مسکونی و شهرسازی، اشاره کرد. قوانین ساختار شهری می بایست در راستای علاقمند کردن مردم به فضاهای عمومی شهر و ایجاد حس مالکیت در آنها باشد. معماری و شهرسازی راهکارهای متعددی برای ایجاد این حس در افراد دارد.



منابع

- پودراتچی، مصطفی، فضاهاى بدون دفاع، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، با راهنمایی دکتر حسین بحرینی، دانشگاه تهران. ۱۳۷۲.
- رحمت، محمد رضا، «نقش طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم: بررسی نظریات محققین»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵.
- رحمت، محمد رضا، نقش معماری و شهرسازی در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تابستان ۱۳۸۵.
- رضا پرویزی، پیشگیری وضعی در پیشگیری از جرم قتل، ۳۹ صفاری، علی، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰.
- غلامی، حسین، «پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳.
- غلامی، حسین، «نقش جامعه محلی در حل و فصل اختلافات کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۲، ۱۳۸۶.
- کوسان، موریس، «نظارت ویدئویی دلایل موقفیت و شکست»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴ و ۱۵، بهار و تابستان ۸۴، ص ۳۲۳.
- گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۰.
- محمد بارانی بیرانوند، پیشگیری از بزه‌دیدگی سرقت، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، سال ۱۳۶۷.
- مزینی، منوچهر، «فرهنگ و زیبایی شناسی شهری»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.
- نقره کار، عبدالحمید، «حفظ ارزش‌های فرهنگی در معماری و شهرسازی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.